



Examining the Concept of Intent and Its Examples in Contracts from a Jurisprudential and Legal Point of View

Manijeh Movahedi Khourshidabadi¹, Parvin Akbarineh^{2*}, Morteza Asadlou Gharakhanlou³

1. PhD Student of Private Law, Department of Law, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

3. Assistant Professor of Law Department, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 739-754

Article history:

Received: 3 Oct 2023

Edition: 21 Des 2023

Accepted: 14 Feb 2024

Published online: 15 Sep 2024

Keywords:

intention, contract, will, demand, acceptance, fault, intention.

Corresponding Author:

Parvin Akbarineh

Address:

Iran, Tabriz, Islamic Azad University,
Tabriz Branch, Department of Law.

Orchid Code:

0000-0002-5191-0376

Tel:

Email:

parvinakbarine@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: Intention is one of the effective factors in concluding contracts. The purpose of this article is to examine the concept of intent and its examples in contracts from a jurisprudential and legal point of view.

Materials and Methods: The research method is descriptive and analytical and this research is theoretical. The method that has been used to collect information is in the form of a library and it has been done by referring to books and articles.

Ethical Considerations: In all stages of writing the present research, while respecting the originality of the texts, honesty and trustworthiness have been observed.

Findings: Intention is the manifestation of the will of the parties in the transaction, so people fulfill their contractual obligations at their own will. Just as the deliberate intention of the people in concluding it is important, it is also in cases where the contracting parties or one of them does not fulfill their obligations and the contract is violated. Breach of contract may be accompanied by the fault of the violator, the fault of the violator has different degrees, the most severe of which is intentional fault.

Conclusion: Intentional fault is a person's refusal to do an action that he should do and an intentional implementation that cannot be in accordance with the principle of will, people can freely do whatever they can with any action and law. Intention or will are exemplified in various ways such as composition, acceptance, request, and consent.

Cite this article as:

Movahedi Khourshidabadi M, Akbarineh P, Asadlou Gharakhanlou M. Examining the Concept of Intent and Its Examples in Contracts from a Jurisprudential and Legal Point of View. *Economic Jurisprudence Studies*. 2024.



بررسی مفهوم عمد و مصادیق آن در قراردادهای از نظر فقهی و حقوقی

منیژه موحدی خورشیدآبادی^۱، پروین اکبرینه^{۲*}، مرتضی اسدلوی قراخلو^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۳. استادیار گروه حقوق، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: عمد یکی از عوامل موثر در انعقاد قراردادهاست. هدف مقاله حاضر بررسی مفهوم عمد و مصادیق آن در قراردادهای از نظر فقهی و حقوقی است.

مواد و روش‌ها: روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی بوده و این تحقیق از نوع نظری می‌باشد. روشی که برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: عمد مظهر اراده طرفین در معامله است، بنابراین افراد به میل و اراده خود به تعهدات قراردادی خود عمل می‌کنند. همان‌طور که قصد و اراده عمدی افراد در انعقاد آن مؤثر است نیز در مواردی که متعاهدین یا یکی از آنها به تعهدات خود عمل نکنند، قرارداد نقض می‌شود. نقض قرارداد ممکن است همراه با تقصیر متخلف باشد، تقصیر متخلف درجات مختلفی دارد که شدیدترین آن تقصیر عمدی است.

نتیجه: تقصیر عمدی عبارت است از امتناع شخص از عملی که باید انجام دهد و اجرای عمدی که نمی‌تواند مطابق با اصل اراده باشد. مردم با هر عمل و قانونی می‌توانند آزادانه هر کاری که می‌توانند انجام دهند. عمد یا اراده به طرق مختلفی مانند انشا، قبول، ایجاب، رضا مصداق پیدا می‌کنند. بر اساس احکام موجود، طرف متضرر از نقض عمدی قرارداد نسبت به متضرر از نقض عمدی حقوق گسترده‌تری در توسل به روش‌های جبران خسارت دارد و نقض عمدی قرارداد یکی از مصادیق نقض اساسی محسوب می‌شود.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۷۳۹-۷۵۴

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۱

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۹/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۶/۲۵

واژگان کلیدی:

عمد، قرارداد، اراده، ایجاب، قبول، تقصیر، قصد.

نویسنده مسئول:

منیژه موحدی خورشیدآبادی

آدرس پستی:

ایران، تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد

تبریز، گروه حقوق.

کد ارکید:

0000-0002-5191-0376

تلفن:

پست الکترونیک:

parvinakbarine@gmail.com

۱. مقدمه

نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که دادگاه باید در هنگام مواجهه با نقض عمدی قرارداد از سوی متعهد، رویکرد سخت‌گیرانه‌تری در مقایسه با موارد معمولی نقض، اتخاذ کنند و در پی بهبود وضعیت متعهدله با حکم به شیوه جبرانی مناسب‌تر به حال وی برآیند. هم‌چنین بیگدلی (۱۳۹۶) در مقاله خود تحت عنوان «تبعیت مسئولیت قراردادی از اراده طرفین در قانون مدنی ایران» به این نتیجه رسید که هر کدام از دیدگاه‌های مطرح شده با اشکال‌هایی مواجه هستند که پذیرش آن‌ها را دشوار می‌کند، به رغم نویسنده، قانون‌گذار، به دلایل مختلف، خواسته است جبران خسارات قراردادی را به قرارداد و خواست طرفین منتسب سازد؛ امری که نتایج متفاوتی نسبت به تحلیل‌های دیگر دارد و ضمن تأمین حقوق زیان دیده و جبران انواع خسارات، نتایج عملی مقبول‌تری نیز به‌همراه دارد. ظاهر شرافت و اسدپور طهرانی (۱۳۹۷) نیز در مقاله خود تحت عنوان «نقش و تأثیر اراده طرفین در شروط غیر منصفانه قراردادهای خصوصی» به این نتیجه رسید که ماده ۱۷۹ قانون دریایی، ماده ۴۶ قانون تجارت الکترونیک و قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ از مهم‌ترین قوانینی است که قانون‌گذار صریحاً تحمیل شروط غیر منصفانه را ممنوع اعلام نموده است. هم‌چنین شعاریان و بیگ‌پور (۱۳۹۸) در مقاله خود تحت عنوان «تأثیر انواع نقض قرارداد بر ضمانت اجرای آن با تأکید بر اسناد بین‌المللی»، پرداخت که نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که نقض عمدی قرارداد برای متعهد هزینه سنگینی در برداشته و می‌تواند نقش بازدارندگی ایفا کند. تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به پژوهش‌های انجام این است که در مقاله

قرارداد یکی از ارکان مهم زندگی اجتماعی، تجاری و اقتصادی امروزی بشر است و روابط حقوقی اشخاص در بیشتر موارد در قالب قرارداد ظهور می‌کند. چراکه با رشد و گسترش روابط معاملات تجاری در سطوح ملی و بین‌المللی روزبه‌روز بر اهمیت امر قرارداد افزوده می‌شود و بی‌تعهدی و عدم ایفای تعهد و نقض آن از سوی هر یک از طرفین بدترین اتفاقی است که برای طرف دیگر رخ می‌دهد و زندگی وی را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد و اثر سوء آن نه‌تنها متعاقبین؛ بلکه سیستم قضایی و حتی جامعه را نیز متأثر می‌نماید. اصل لزوم وفای به عهد که مفاد آیه «اوفوا بالعقود» و حدیث نبوی «المومنون عند شروطهم» که شامل کلیه قراردادها می‌شود بر هر نوع التزام و پیمانی که واجد شرایط عمومی عقود باشد، حاکم است. نقض عمدی قرارداد که اغلب با سوء نیت و برای دستیابی به یک منفعت مالی یا اجتناب از زیان مالی و گاهی هم فراتر از انگیزه منفعت شخصی، مبتنی بر قصد اضرار به غیر و صدمه زدن بر دیگری است در برخی موارد از نظر قانون‌گذار به قدری مذموم و مهم تلقی شده که علاوه بر ضمانت اجرای مدنی چهره کیفری به خود گرفته است. مانند نقض عمدی در خصوص امانت که به‌موجب ماده ۶۷۳ و ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و اصلاحی ۹۲ جرم تلقی شده و ناقض عامد قرارداد به جرم خیانت در امانت تعقیب و مجازات می‌شود (شعاریان و همکاران، ۱۳۹۸، ۲۴۲). در خصوص عمد و قراردادهای پژوهش‌های متعددی انجام شده است. رضایی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله خود تحت عنوان «نقض عامدانه قرارداد و تأثیر آن بر جبران خسارت ناشی از نقض قرارداد»، پرداختند که

است از اینکه یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آنها باشد. «نتیجه‌ای که از این تعریف عاید می‌شود این است که اولاً هر عقدی در اثر توافق دو یا چند اراده به وجود می‌آید. البته ممکن است یک نفر هر دو اراده را انشا نماید منتها به‌عنوان نماینده و وکیل یک یا دو طرف عقد، ثانیاً عقد ایجاد تعهد است (صاحبی، ۱۳۷۶، ۴۴). برخی دیگر قرارداد را از عقد منفک دانسته و آن را مشمول عقود بی نام گفته‌اند. بالاخص زمانی که عقد و قرارداد در کنارهم استعمال می‌شوند (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۹، ۱۱۲). در اصطلاح حقوقی «عقد عبارتست از همکاری متقابل اراده دو یا چند شخص در ایجاد ماهیت حقوقی» (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ۴۰). در ادامه به بررسی مفهوم عمد و مصادیق آن در قراردادهای از نظر فقهی و حقوقی پرداخته می‌شود.

۵-۱. عمد

در فرهنگ فارسی معین، عمد به معنای ۱- اراده کردن ۲- میانه‌روی ۳- از روی عمد و غرض؛ آورده شده است. هم‌چنین در فرهنگ عمید، قصد به معنای ۱. آهنگ؛ عزم. ۲. منظور؛ مقصود. ۳. نیت، تعریف شده است. در فرهنگ لغت عربی نیز، «عمد» در لغت به معنی استقامت در رأی و اراده آمده و به همین معناست «عَمَدْتُ فلاناً» یعنی قصد کردم فلان شخص را (ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۹، ۳۱۲). «عمد» در لغت به معنای قصد چیزی را نمودن، «عن عمد» یعنی از روی قصد و نیت قبلی و «جنایه المرتکبه عمدا» یعنی جنایتی که با سبق تصمیم انجام گرفته است. «عمدا الی رجل» یعنی قصد او را کرد. وقتی

پیش‌رو به بررسی مفهوم عمد و مصادیق آن در قراردادهای از نظر فقهی و حقوقی پرداخته می‌شود.

۲. مواد و روش‌ها

روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی بوده و این تحقیق از نوع نظری می‌باشد. روشی که برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به کتب و مقالات صورت گرفته است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

عمد مظهر اراده طرفین در معامله است، بنابراین افراد به میل و اراده خود به تعهدات قراردادی خود عمل می‌کنند. همانطور که قصد و اراده عمدی افراد در انعقاد آن مؤثر است، نیز در مواردی که متعاهدین یا یکی از آنها به تعهدات خود عمل نکرده و قرارداد نقض می‌شود. نقض قرارداد ممکن است همراه با تقصیر متخلف باشد، تقصیر متخلف درجات مختلفی دارد که شدیدترین آن تقصیر عمدی است.

۵. بحث

قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران، تعریف صریح و روشنی از لفظ قرارداد ارائه ننموده است و لیکن از طریق استقرا در تاریخ مختلف در دکترین حقوقی به نمونه‌هایی می‌توان اشاره کرد. دکتر کاتوزیان جهت تعریف قرارداد، تمسک جستند به تعریف ماده ۱۸۳ قانون مدنی از عقد که مقرر می‌دارد، «عقد عبارت

نگرفته و مقصود شخص نبوده واقع نخواهد شد» (بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۷، ۱۳۶). «قصد جدی لازمه تحقق قرارداد می‌باشد و عبارات و الفاظی که طرفین بکار می‌گیرند هنگامی مؤثر خواهد بود که از آن الفاظ، قصد معنا و نیز ایجاد اثر حقوقی مورد نظر اراده شده باشد» (مراغی، ۱۴۱۷، ج ۲، ۴۹). در این مقاله منظور از عمد، انجام دادن یا ترک عملی از روی اختیار و قصد و در مقابل سهو می‌باشد.

۵-۲. مفاهیم مشابه عمد

عمد به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی قراردادهای، در قالب مفاهیم مشابه دیگری مطرح شده است که همگی بیانگر مفهوم یکسانی و مصداق‌گونه از عمد می‌باشند که برای روشن شدن بحث به بررسی برخی از این مصداق پرداخته می‌شود.

۵-۲-۱. اراده و نقش آن در قراردادهای

اراده از نظر لغوی به معنای خواستن، خواست، خواسته، خواهش، میل، قصد، آهنگ و کام آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱، ۱۳۶۵). در فرهنگ عمید این گونه معنا شده است، «خواستن، طلب کردن، دوست داشتن، میل، قصد و آهنگ و همچنین دلبستگی، اعتقاد، اخلاص و دوستی بی‌ریا(عمید، ۱۳۶۲، ۱۳۷).

«اراده در لغت از ماده رود به معنای مشیت خواستن طلب قصد و برگزیدن است. محققان بر آن‌اند که بعد از تصور یک عمل و تصدیق، آن یک کیف نفسانی حاصل می‌شود که آن را اراده خوانند این کیف نفسانی قدرت انسان را به طرف، می‌دهد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ۲۴).

گفته می‌شود فعل او عمدی است، یعنی از روی قصد است؛ نه از روی خطا و تصادفی.

عمد در حقوق فعل یا ترک فعل که گاهی «به‌طور قهری حاصل می‌شود پس یک عمل ارادی مسبوق به سه چیز است، تصور، تصدیق و اراده پس از تصور و تصدیق کامل اراده به‌طور قهری منتهی به عمل می‌شود. برخی نیز اراده را حالتی می‌دانند که به دنبال شوق می‌آید بدین صورت که هر کار و عمل اختیاری که از ما صادر می‌شود و پیش از آنکه صادر شود ما آن را به‌گونه‌ای ولو به‌طور اجمالی تصور می‌کنیم و به فایده‌ای که آن عمل دارد تصدیق می‌نماییم» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ۲۴).

«در مفهوم اصطلاحی قصد عبارت است از عزم متوجه برای انشای التزام و تعهد و منظور از عزم به شیء اراده و عقد قلبی بر آن است. برخی فقیهان امامیه می‌گویند، قصد باید به ابتدای عمل مقرون باشد. آن قسمتی از قصد که قبل از ابتدای عمل حاصل شده عزم نامیده می‌شود و اعتباری ندارد و اثری بر آن مترتب نیست. در تعبیری دیگر برخی فقیهان می‌گویند، شوق مؤکدی را که منشأ عمل خارجی می‌شود به اعتبار درونی بودنش، نیت و به اعتبار رفع کردن تردید، عزم و به اعتبار پایداری و استقامتش قصد می‌گویند» (خویی، ۱۴۲۴، ج ۲، ۸۹).

در فقه امامیه عمد مبتنی بر اصل حاکمیت اراده بوده و بر مبنای قواعدی چون «العقود تابعه للقصد»، قراردادهای تابع قصد می‌باشند، پذیرفته شده است. «تبعیت عقد از قصد اصل حاکمیت اراده) واجد دو بعد ایجابی و سلبی است؛ ایجابی به این معنا که هر آنچه قصد شود و اراده فرد بر آن تعلق گیرد، تحقق می‌یابد و سلبی به این معنا که آنچه اراده به آن تعلق

ایقاعات با نیروی الزام آور خود به اراده متعاقدين نسبت داده شود. در فقه اسلامی هم اراده در ایجاد تعهدات از جایگاه والایی برخوردار است و به همین دلیل فقیهان در فرآیند شکل‌گیری قراردادها و ایقاعات نقش اراده متعاملین را بیش از هر چیز دیگری مورد توجه قرار داده و الفاظ و افعال و سایر وسایل اعلام اراده را به‌تنهایی و بدون اینکه کاشف از اراده متعاقدين، باشند موجد هیچ‌گونه تعهد و تکلیفی نمی‌دانند» (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۷، ۱۳۶).

اراده متشکل از قصد و رضا می‌باشد جایگاه این دو عنصر درون انسان است. «بنابراین اعمال حقوقی از جمله قراردادها که موجودات اعتباری و پدیده‌های اجتماعی هستند بدون اعلام اراده پا به عرصه وجود نمی‌گذارند. احکام و آثار حقوقی نیز زمانی بر آنها بار می‌شود که مقاصد درونی به وسیله متعارفی آشکار و ابراز گردند. زیرا مبنای جریان این احکام و آثار تراضی و توافق طرفین قرارداد بر مبنای قصد مشترک آنها است و این امر بدون اعلام و ابراز خواسته‌ها، مقاصد درونی و باطنی محقق نمی‌گردد» (افرا، ۱۳۹۰، ۱۸).

«هرگاه شخص به‌طور مستقیم و با استفاده از وسایلی که بدون نیاز به هیچ تعبیری اراده خود را اعلام می‌کند دیگری را به انعقاد قراردادی فرا خواند و یا به همین روش پیشنهادی را قبول نماید اعلام اراده را باید صریح شمرد» (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۵، ۲۵۶).

«هرگاه اعمالی که برای اعلام اراده به کار می‌رود به‌طور صریح و مستقیم دلالت بر مقصود نکند؛ بلکه از الفاظ یا اصطلاحات مبهم یا رفتار و کردار شخص یا بررسی اوضاع و احوال حاکم بر قرارداد اراده طرفین قرارداد استنباط گردد این اعلام اراده را ضمنی می‌

به موجب این اصل - که از قرن نوزدهم و از اوایل قرن بیستم به عنوان یکی از مبانی مطرح برای بازسازی یا بازبینی روابط اجتماعی مد نظر قرار گرفته است - شهروندان باید در انعقاد یا عدم انعقاد هر نوع عقدی، آزاد گذاشته شوند و قانون نباید انعقاد عقد خاصی را به ایشان تحمیل نماید. این اصل، پشتوانه محکمی برای اصل لزوم قرارداد به شمار می‌آید به عنوان مثال، وقتی که در بند ۱ ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه گفته می‌شود «توافق‌هایی که به نحو مشروع شکل گرفته‌اند، در حکم قانون است»، علت التزام آن است که دو یا چند طرف با اراده خود قصد التزام حقوقی داشته‌اند و لذا قانون نمی‌تواند چنین التزامی را به ایشان تحمیل نماید. اصل حاکمیت اراده متضمن آثار و احکام عمده‌ای از جمله «اصل آزادی قراردادی» می‌باشد. البته آزادی طرفین در انعقاد قرارداد و محتوای آن به شدت تحت تأثیر قواعد آمره قرار دارد (بری، ۱۹۹۲، ۳۲). علی‌رغم لازم بودن عقد، طرفین توافق می‌کنند که در صورت اثبات وجود یا فقدان وضعیت معینی در خود عقد یا شرایط ضمنی آن و یا موضوع مورد معامله، شخصی که از این وضعیت متضرر می‌شود حق فسخ آن را داشته باشد. در اثبات این امر شاید بتوان به ماده ۲۸۳ ق.م.استناد کرد که مقرر می‌دارد، «بعد از معامله طرفین می‌توانند به تراضی آن را اقاله و تفاسخ کنند» (ماده ۲۸۳ قانون مدنی).

«به‌طور کلی در تمام نظام‌های حقوقی موجود تأثیر اراده در اعمال حقوقی به عنوان اصلی عام و شرطی اساسی پذیرفته شده است توجه به مصالح خصوصی موجب می‌شود که اراده افراد موجب التزامات و تعهداتی برای آنها باشد به‌گونه‌ای که عقود و

در مفهوم اصطلاحی قصد عبارت است از عزم متوجه برای انشای التزام و تعهد و منظور از عزم به شیء اراده و عقد قلبی بر آن است (شهیدی، ۱۳۸۵، ج ۱، ۱۳۰؛ ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۹، ۳۵۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ۶۷۲). بر اساس این قاعده قرارداد تابع قصد است و در خصوص معنا و مفهوم قاعده دو احتمال وجود دارد که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود: احتمال اول، تبعیت عقد از قصد به معنای آن است که عقد فقط با قصد تحقق می‌یابد همان‌گونه که فقها آن را در بحث از شرایط عقود همراه با شرایط دیگر بیان کرده‌اند؛ یعنی شخص غافل و فراموشکار و اشتباه‌کننده فاقد قصد می‌باشد و الفاظ صادره از افرادی نظیر این‌ها اعتباری ندارد (نجفی، ۱۴۱۲، ۱۱۷). احتمال دوم، عبارت عقد تابع قصد است بدین معناست که عقد، تأسیسی است که نیاز به موجب قابل عوض و معوض دارد و پس از اینکه این ارکان محقق شد، آثار عقد یعنی تملیک و نظایر آن تحقق می‌یابد و آثار عقد نیز ویژگی‌هایی دارد مانند فوریت، لزوم و جواز، تنجیز و تعلیق اطلاق و تقیید. پس عقد در تمامی این امور تابع قصد می‌باشد؛ یعنی تا زمانی که قصد نشود تحقق نمی‌یابد و آنچه قصد شود به وجود می‌آید (زراعت، ۱۳۸۸، ۸۷).

«پدیده‌های مادی و عینی مخلوق انسان اثر از حرکات و ابزار مادی خارجی است که به فرمان اراده و یا به‌طور غیر ارادی به‌کار گرفته می‌شود و اراده انسان به‌تنهایی و بدون حرکت و وسیله مادی توانایی ایجاد این پدیده‌ها را در عالم مادی ندارد. در صورتی - که ماهیت‌های اعتباری حقوقی مثل عقود و ایقاعات به‌طور انحصاری با علیت اراده انشایی به‌وجود می‌آید و برای خلق این ماهیت‌ها وسیله و حرکت مادی را

نامند در واقع این اعلام اراده لازمه عرفی یا عقلی رفتار و اعمال او باشد» (خوبی، ۱۴۲۵، ج ۲، ۵۱). اراده، یکی از صفات نفس است که به ایجاد یا ترک فعلی تعلق می‌گیرد و دارای مقدماتی، از جمله مرحله تصور است؛ یعنی انسان ابتدا چیزی را تصور نموده و سپس بررسی می‌کند که آیا فایده و مصلحتی دارد یا نه، بعد از تصدیق فایده آن، به آن تمایل پیدا می‌کند و به دنبال آن، هیجانی در نفس او پیدا شده و در پایان، حالت نفسانی‌ای به نام «اراده» برای وی پدید می‌آید که از آن به «شوق مؤکد» تعبیر نموده‌اند.

۵-۲-۲. قصد و نقش آن در قراردادها

قصد در لغت به معنای در پیش گرفتن راه برخورد دقیق تر به هدف، آوردن شیء مورد نظر و عزم و توجه به سوی چیزی به‌کار رفته است، هم‌چنین در معنای راستی راه، نیت و غرض نیز بیان شده است.

«قصد هر یک از طرفین عنصر اصلی و سازنده عقد است. منظور از قصد، قصد تحقق مضمون قرارداد قصد ایجاد ماهیت حقوقی یا قصد انشا است. بدون تردید در انشا و ایجاد یک ماهیت اعتباری قصد درونی فرد و آنچه در درون و ضمیر شخص به وجود می‌آید نقش مهمی را ایفا می‌نماید. به‌گونه‌ای که بدون آن الفاظ و عبارات نمی‌توانند هیچ اثری در عالم حقوق به وجود آورند» (امیری قائم‌مقامی، ۱۳۷۸، ج ۲، ۱۹۷-۱۹۹). «هم‌چنین تردیدی نیست که مقاصد درونی و اعتبارات نفسانی اگر به جهان خارج راه نیابد و به‌گونه‌ای ابراز نشوند در عالم حقوق مؤثر نخواهند بود. انجام دادن هر عمل حقوقی معلول رشته‌ای از فعالیت‌های دماغی و درونی است که هر شخص با مراجعه به وجدان خویش می‌تواند آن را دریابد» (کاتوزیان، ۱۳۹۴، ۵۳).

نیز قصد به عنوان یکی از شرایط اصلی انعقاد قراردادها ذکر گردیده است» (ماده ۱۹۰ ق.م).

۵-۲-۴. انشا و نقش آن در قراردادهای

«انشاء از ماده نشأ به معنای ایجاد کردن و پدید آوردن است، انشا در مقابل اخبار بکار می‌رود، در اصطلاح نیز انشا به معنای ایجاد کردن و محقق نمودن قصد درونی از طریق ابزارهایی که انشا توسط آن‌ها صورت می‌پذیرد، است. درباره مفهوم انشا دو دیدگاه عمده وجود دارد (ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۱، ۱۷۰). «طبق این دیدگاه که نظر مشهور فقها می‌باشد لفظ عنصر کلیدی و سبب انشاست و انشا جز با آن محقق نمی‌شود. به طور مثال در عقد بیع فروشنده با عبارت فروختم. قبول کردم مدلول قرارداد را در عالم اعتبار ایجاد می‌کنند، الفاظ مزبور سبب ایجاد ماهیت حقوقی و تحقق مدلول عقد هستند و مدلول، عقد، مسبب تولیدی آن الفاظ است با این توضیحات روشن می‌شود که اراده طرفین قرارداد برای ساختن موجودی اعتباری به اسبابی مانند الفاظ نیاز دارند به گونه‌ای که بدون این الفاظ قرارداد محقق نمی‌شود» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ۸۰۷). «انشا ابراز اعتبار نفسانی به وسیله مبرز خارجی است. به این صورت که جملات انشایی برای ابراز امور نفسانی وضع شده‌اند و در عقود و ایقاعات، امر نفسانی و اعتباری است. از این رو انشا، ابراز اعتبار نفسانی به وسیله مبرز خارجی است» (خوبی، ۱۴۲۴، ج ۲، ۵۱-۵۰)

۵-۲-۴. ایجاب و نقش آن در قراردادهای

ایجاب اعلام اراده یک طرف قرارداد است که طرف دیگر را بر مبنای معینی به انجام دادن معامله و انعقاد

به عنوان مؤثر و سبب به کار نمی‌گیرد. قانون مدنی ایران در ماده ۱۹۰ قصد طرفین را به عنوان عنصر سازنده عقد بیان می‌کند که فقدان آن موجب بطلان عقد می‌گردد و عقد باطل هم هرگز در عالم اعتبار موجود نمی‌گردد و دارای هیچ‌گونه اثر تعهدآوری نمی‌باشد در واقع در صورتی که قصد انشای قرارداد به هنگام ادای آن در یکی از طرفین وجود نداشته باشد همکاری اراده دو طرف محقق نشده و قرارداد به وجود نمی‌آید» (انصاری، ۱۳۸۴، ج ۳، ۱۵۴۵) عنصر قصد یکی از ارکان تشکیل هر قراردادی در نظامات حقوقی تلقی می‌گردد و ابراز و احراز آن شرط لازم برای تشکیل و اجرای هر قراردادی است. اعتبار این قراردادها نیز منوط به اثبات امکان احراز عنصر قصد به روشی مطمئن و اصیل است.

۵-۲-۳. رضا و نقش آن در قراردادهای

«رضا از رضی به معنای خشنودی و سرور قلب در مقابل سخط و غضب می‌باشد» (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳، ۱۰۲) «رضا در اصطلاح میل و اشتیاق طرفین قرارداد به انجام دادن عمل حقوقی است. هنگامی که منافع و مضار مورد قرارداد سنجیده می‌شود و منافع آن بر ضررهایش برتری می‌یابد، نفس انسان اشتیاق و تمایل به ایجاد ملکیت مورد قرارداد پیدا می‌کند به این اشتیاق که همان مرحله سوم از مراحل فعالیت روانی است، رضا گفته می‌شود» (قنواتی، ۱۳۷۹، ج ۴، ۲۳۱). «رضا در عمل حقوقی عبارت است از میل به انجام عمل و در مرحله تصمیم پس از سنجش حاصل می‌شود. قصد و انشا به عنوان دو عنصر مهم و اساسی در بند اول ماده ۱۹۰ ق.م ایران شرط اساسی نفوذ و صحت معاملات شمرده شده است و در متون فقهی

به‌عنوان زمینه توافق از بین نرفته است» (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۳، ۴۴۵)

قبول نیز مانند ایجاب انشا و عمل حقوقی مستقل محسوب نمی‌شود، قبول باید کاملاً منطبق با مفاد ایجاب باشد، قبول کننده نمی‌تواند بر آنچه موجب ایجاب کرده چیزی بیفزاید یا کم کند بنابر این قبولی باید بدون قید و شرط، منطبق با ایجاب، انشا و اعلام شود. هم‌چنین در صورتی که ایجاب کننده برای اعلام قبولی از سوی طرف مقابل مهلتی معین نموده باشد، قبولی باید در همان زمان تعیین شده اعلام شود. چنانچه برای اعلام قبولی مهلتی معین نشده باشد، ایجاب باید در زمانی اعلام شود که بتوان گفت بین ایجاب و قبول عرفاً ارتباطی برقرار است. در هر حال تعیین زمانی که قبولی می‌تواند اعلام شود، در هر مورد بر اساس شرایط و اوضاع و احوال معلوم می‌شود.

۵-۲-۶. فسخ

فسخ، نتیجه استفاده‌ی ذی‌حق از حقی است که شخص فسخ کننده دارای آن بوده است. بنابراین، برای تحقق هر فسخی، پیش زمینه‌ای به نام «حق فسخ» متصور است. بدین معنا که تنها کسی می‌تواند عقد را فسخ کند که چنین حقی به وی اعطا شده باشد. چنین حقی با توجه به این که منشأ اعطای آن چه کسی باشد می‌تواند بر مبنای متفاوتی استوار شود. برای مثال، حق فسخ قانونی با حق فسخی که با توافق طرفین به وجود می‌آید، از حیث چرایی تفاوت دارد. اما پیش از ورود به بحث باید دید که مقصود از حق فسخ، فسخ و عقود قابل فسخ چه می‌باشد. «فسخ» در اصطلاح حقوقی عبارت است از «پایان دادن به هستی حقوقی قرارداد به وسیله یکی از دو طرف یا شخص ثالث» (شهیدی، ۱۳۷۷، ۱۹۵). تشخیص

قرارداد دعوت می‌کند (عاملی، ۱۴۱۳، ج ۳، ۱۹۱) «به‌گونه‌ای که اگر پیشنهاد مورد قبول طرف دیگر قرار گیرد او به مفاد آن پایبند می‌شود خواه پیشنهاد ناظر به شخص معین یا عموم مردم باشد. برای مثال تاجری که کالای خود را با ذکر بهای آن و شرایط فروش در معرض دید عموم می‌گذارد یا برای فروش آن در روزنامه یا مجلات اعلان می‌کند در واقع ایجاب را به عموم نموده است. لازم به ذکر است که این پیشنهاد برای انعقاد قرارداد در صورتی موجد ایجاب است که به حد کافی قطعی بوده و بیانگر قصد ایجاب دهنده برای التزام در صورت قبول ایجاب باشد» (کاتوزیان، ۱۳۹۴، ۶۱).

۵-۲-۵. قبول و نقش آن در قراردادها

«برای انعقاد قرارداد باید دو اراده در باب ایجاد اثر حقوقی مطلوب با هم توافق کنند، قبول باید مطلق و بدون قید و شرط باشد. زیرا اگر طرف خطاب ایجاب را چنان که شده است نپذیرد و خود شرط دیگری را پیشنهاد دهد، در واقع ایجاب تازه ای کرده است و بیان اراده او قبول محسوب نمی‌شود و این ایجاب تازه ای است که باید به قبول ایجاب کننده او برسد تا قرارداد محقق شود، پس باید گفت که قبول رضای بدون قید و شرط به مفاد ایجاب است پس از ضمیمه شدن قبول به ایجاب، قرارداد محقق شده و تعهدات و التزامات ناشی از آن بر ذمه طرفین بار می‌شود» (مهیار، ۱۳۷۶، ۹۱۴).

ذکر این نکته ضروری است که باید بین ایجاب و قبول موالات رعایت شود؛ «به این صورت که قبول بایستی در زمانی اعلام شود که پیشنهاد کننده ایجاب هنوز بر سر وعده خویش است و آفریده او

۵-۲-۸. نقض عمدی قرارداد

نقض قرارداد هنگامی عامدانه است که طرف ناقص، قرارداد را برای دستیابی به یک منفعت مالی یا برای اجتناب از یک زیان مالی که ممکن بود در صورت اجرای تعهداتش، از آن منفعت محروم شده یا متحمل آن زیان شود، نقض می‌کند. عنصر اصلی در این تعریف مقدماتی انگیزه اقتصادی طرف ناقص است. در واقع، او برای به‌دست آوردن یک سود مالی یا پرهیز از یک زیان مالی اقدام به نقض قرارداد می‌کند. نقض عمدی قرارداد دارای ارتباط نزدیک با قصد قرارداد است. در این خصوص اظهار شده که: «رفتار عمدی مستلزم قصد اضرار است، یعنی، هم رفتار عمدی است و هم اضرار» (هویناک، ۲۰۱۰، ۷۱۳).

می‌توان گفت، «نقض عمدی قرارداد نقضی است که در آن متعهد قصد اضرار به متعهدله را داشته یا قصد بهره‌مندی از مزیت نقض را دارد که مستلزم رفتار عمدی و ضرر عمدی است» در این خصوص ابراز شده میان نقض فرصت‌طلبانه و نقض موثر تفاوت وجود دارد (کراسول، ۲۰۰۹، ۱۵۰۹). همچنین نقض با سوء نیت قرارداد دارای همان آثار نقض عمدی قرارداد است، چرا که نقض عمدی بدون سوء نیت متصور نیست. «این موضوع که آیا رفتار مرتکب نقض، عامدانه و توأم با تقصیر است یا اینکه بدون مرتکب نقض قرارداد شده، مورد توجه تدوین‌کنندگان این اسناد واقع شده و نقض عمدی (حتی نسبت به موضوعات غیر اساسی) از مصادیق نقض اساسی در نظر گرفته شده است. کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مبتنی بر نظام مسئولیت مطلق بوده و صرف نظر از اینکه نقض قرارداد مرتکب تقصیر شده یا خیر و اعم

عقود که بحث «فسخ» به مفهوم اصطلاحی در خصوص آن‌ها مطرح می‌شود مستلزم شناسایی عقود جایز و عقود لازم است. چراکه در عقود جایز- مطابق تعریف ماده ۱۸۶ ق.م. هر یک از طرفین می‌تواند آن را به هم بزند (ماده ۱۸۶ ق.م). برخی از حقوقدانان گفته‌اند، «فسخ» انشای یک طرفه انحلال قرارداد و تعهد و در حقیقت مانند ابرا و اعراض، نوعی ایقاع می‌باشد (شهیدی، ۱۳۷۷، ۱۹۶).

۵-۲-۷. اقاله

اقاله واژه‌ای عربی است و در لغت عرب، به معنی باز کردن و آزاد کردن است. لغویان و در پی آنان فقیهان در این که واژه اقاله از ریشه «قول» یا «قیل» گرفته شده، اختلاف دارند. اقاله مصدر ثلاثی مزید از باب افعال است که ماضی آن «اقال» است. در لغت عرب «اقاله الله عشرتك» به «انهضك من سقوطك» معنی شده است؛ یعنی «خداوند تو را از سقوط و هلاکت حفظ کند» (طریحی، ۱۰۷۹، ج ۵، ۴۵۹).

اقاله در لغت‌نامه فارسی به معنای برهم زدن، بخشیدن، گذشت است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱، ۱۵). قانون مدنی ایران اشاره‌ای به ماهیت حقوقی اقاله نکرده است و فقط در ماده ۲۸۳ قانون مدنی آورده است. بعد از معامله طرفین می‌توانند به تراضی آن را اقاله و تفاسخ کنند از همین رو بین حقوق‌دانان در مورد ماهیت حقوقی اقاله اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای آن را عقد جدید به حساب نمی‌آورند و برخی دیگر (محبوبی، ۱۴۰۱، ۶۷؛ سعیدی، ۱۴۰۱، ۷۹) معتقدند که اقاله عقد است و بعضی دیگر از حقوق دانان برای آن ماهیت خاصی قائل هستند (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ۱۹).

الزام بیرونی اثر نمی‌کند و پیوند خارجی را که عقد به هم بافته از بین نمی‌برد و اراده باید گام در جهان بیرون بهند» (کاتوزیان، ۱۳۹۴، ۳۲۷). لذا به نظر حقوق دانان، خیار یک حقی است مالی، قابل اسقاط، صلح و انتقال که ایقاع محسوب می‌شود (بیات، ۱۳۹۷، ۳۲۸).

۴-۵. مبانی خیارات مبتنی بر عمد

مبانی خیارات با یکدیگر تفاوت دارد و به‌طور کلی می‌توان سه مبنا برای خیارات در نظر گرفت:

الف) اصل حاکمیت اراده (خواست صریح طرفین عقد)، خواست طرفین عقد ممکن است که مبنای خیار باشد. مانند خیار شرط که مبنای آن توافق طرفین است خواه ضرر وارد شود یا نشود (کاتوزیان، ۱۳۹۴، ۳۲۷).

ب) قاعده لاضرر، این قاعده مبنای اصلی در اکثر خیارات می‌باشد و خیارات اصولاً برای دفع ضرر ناروا وضع شده‌اند (بیات، ۱۳۹۷، ۳۲۸).

ج) پیشینه تاریخی، بعضی از خیارات صرفاً به دلیل پیشینه‌ای که در گذشته دارند وضع شده‌اند مانند خیار مجلس و حیوان (کاتوزیان، ۱۳۹۴، ۳۲۹).

به‌طور کلی باید گفت که مبنای اکثر خیارات، قاعده لاضرر است و چنانچه این مبنا از بین برود، حق خیار نیز ساقط می‌گردد. این امر در ماده ۴۷۸ قانون مدنی و ماده ۴۲۴ قانون تجارت آمده است. عده‌ای از فقها بیان داشته‌اند، «هرگاه کسی دعوی غبن بر دیگری کند و آن دیگری بگوید که، من آن قدری که نقصان کرده و غبن داری به تو می‌دهم، این باعث آن نمی‌شود که خیار آن شخصی که دعوی غبن می‌کند

از اینکه نقض قرارداد عمدی یا غیر عمدی، مسئول است. در ماده ۲۵ این کنوانسیون نیز که در مقام بیان مقررات راجع به نقض اساسی است، تصریحی به نقض عمدی به عنوان یکی از مصادیق نقض اساسی نشده است». نقض قرارداد ممکن است با تقصیر طرف ناقض همراه باشد، تقصیر طرف ناقض درجرات مختلفی دارد که شدیدترین درجه آن تقصیر عامدانه است. نقض قرارداد هنگامی عامدانه محسوب می‌شود که طرف ناقض با سنجش سود و زیان نقض قرارداد، از اجرای تعهدات خود امتناع کند.

۳-۵. خیارات فقهی قرارداد

خیار در لغت فارسی به معنای اختیار داشتن آمده است (معین، ۱۳۸۷، ج ۱، ۴۱۹) و در قانون مدنی ایران تعریفی از آن به عمل نیامده است. در میان حقوق دانان، خیار به معنای اختیاری که به موجب قانون برای فسخ قرارداد برای یکی از طرفین قرارداد یا هر دو یا شخص ثالثی داده شده است (صفایی، ۱۳۹۳، ج ۳، ۲۷۲). در میان فقها نیز خیار به همین معنا می‌باشد. آنچه که در این مورد ذکر آن ضروری به نظر می‌رسد این است که خیار، مختص عقود لازم می‌باشد و در عقود جایز، خیار فسخ وجود ندارد (امامی، ۱۳۹۲، ج ۳، ۵۵۴).

«در فسخ که با یک اراده تحقق می‌یابد، ممکن است پرسیده شود که، اگر اراده کارگزار است و آگاهی طرف از شرایط نفوذ آن نیست، چرا در مرحله درونی و باطنی موثر نباشد؟ در پاسخ باید این نکته را یادآوری کرد که جهان حقوق دنیای ارتباط و اثبات و ایجاد نظم در اجتماع است و به رویدادهایی می‌پردازد که در این صحنه رخ می‌دهد. فسخ عقد تا در مرحله میل و اشتیاق و تصمیم درونی است در

موجب آن شخص یا اشخاص معین، نظر به اقتضا عقد یا شبه عقد یا جرم یا شبه جرم و یا به حکم قانون ملزم به دادن چیزی یا مکلف به فعل یا ترک عمل معینی به نفع شخصی یا اشخاص معین می‌شوند» (لنگرودی، ۱۳۸۸، ۱۶۶). بدین واسطه اندیشه شد تا هم متخلف به سزای عملش برسد و هم متعهدله به مقصود خود دست یابد و جامعه هم به اطمینان لازم در استحکام قراردادها برسد و این اندیشه منجر به خلق نظریه «اجرای اجباری عین تعهد» شد. اغلب موارد در قراردادهای تجاری بین-المللی اجرای عین تعهد، بعد از نقض، مطلوب طرفین نبوده است و در پاره‌ای از موارد حتی عقلایی و اصلاً امکان‌پذیر نیست، از جهتی فرآیندی طولانی برای این امر وجود دارد که موجب بروز خساراتی در این زمینه می‌شود و با اصل سرعت در معاملات تجاری معارض است که این اصل از اصول بسیار مهم در حقوق تجارت به‌شمار می‌رود (اسکینی، ۱۳۸۶، ج ۱، ۴۵).

الزام به ایفای تعهدات قراردادی در مواقعی مصداق پیدا می‌کند که قراردادی منعقد شده باشد و یکی از طرفین قرارداد، تعهدات خود را به رغبت و بدون اجبار قانونی انجام نمی‌دهد. در این صورت متعهدله به نیروی الزام‌آور قرارداد متوسل شده و ایفای تعهدات ناشی از قرارداد را مطالبه می‌نماید. هر قراردادی شامل تعهداتی است که طرفین قرارداد در مقابل یکدیگر دارند. در واقع هدف غایی طرفین قرارداد، دستیابی به مابازای قراردادی است. تعهدات قراردادی یا اصلی هستند مانند تسلیم مبیع در عقد بیع؛ یا تعهدات تبعی هستند مانند تحویل مبیع در بسته‌بندی مخصوص که در ضمن قرارداد شرط شده

برطرف شود و واجب شود بر او که تفاوت را بگیرد، بلکه در این صورت باز خیار دارد و می‌تواند آن معامله را فسخ کند بلی، هرگاه طرفین راضی شوند که آن که دعوای غبن می‌کند تفاوت را بگیرد به عوض اینکه فسخ معامله را نکند، صحیح است» (نراقی، ۱۴۲۵، ۱۲۴) اما دلیلی برای آن نیاورده‌اند. در مورد طبیعت خیار باید گفت که خیارات قابل اسقاطاند زیرا حق محسوب می‌شوند و هم‌چنین قابل انتقال و توارث نیز هستند (کاتوزیان، ۱۳۹۴، ۳۳۰).

با بررسی مبانی خیارات، باید گفت که اراده طرفین (شرط ضمنی یا صریح) و قاعده لاضرر دو مبنای اصلی خیارات در حقوق ایران و فقه امامیه می‌باشند؛ در خیارات که مبنای آن‌ها قاعده لاضرر می‌باشد با انتفای ضرر و مبنای خیار، باید قائل به سقوط خیار شد. همان‌طور که ماده ۴۷۸ مقرر می‌دارد؛ ولی خیاراتی که مبنای آن‌ها، اراده متعاقدین می‌باشد تنها با اراده صاحب خیار، ساقط می‌گردد. به همین علت است که در ماده ۴۲۱ قانون مدنی، پرداخت مابه‌التفاوت قیمت موجب زوال خیار محسوب نشده است؛ زیرا مبنای خیار غبن، شرط ضمنی می‌باشد.

۵-۵. تعهد و الزام در قرارداد

تعهد واژه‌ای عربی و از ریشه عهد به معنای پیمان، وصیت و به گردن گرفتن امری است (ابن‌منظور، ۱۴۰۸، ج ۹، ۴۴۸). در زبان فارسی نیز به گردن گرفتن کاری، تیمار داشتن و عهد بستن می‌باشد (ابن‌منظور، ۱۴۰۸، ج ۹، ۴۴۸). عهد نیز که در معنای پیمان، سوگندنامه، ذمه، تعهد، ضمان و وفای به عهد به‌کار رفته، با تعهد هم‌ریشه است. تعهد از نظر حقوقی «عبارت است از یک رابطه حقوقی که به-

است. بنابراین در مقام تفسیر قراردادها حاکمیت امر با اراده باطنی است و نه ظاهری؛ ولی با توجه به اینکه قصد یک عنصر درونی و پنهانی بوده و آگاهی یافتن از آن جز با اظهار آن و توجه به رفتارهای طرفین قرارداد و اسناد و سایر ابزارهای اعلام اراده امکان ندارد، هم‌چنین به دلیل اینکه قصد نقش اساسی را در انشا ایفا می‌نماید و آن یک امر ثبوتی بوده که در عالم اعتبار صورت می‌پذیرد و در مقام اثبات نمی‌توان به آن متوسل شد. محاکم قضایی در تعیین روش‌های جبران خسارت و هم‌چنین در تعیین میزان خسارت قابل مطالبه و در صورت اثبات یا اثبات تخلف، به عمد و قصد متخلف توجه کنند. فسخ قرارداد یا الزام متعهدله به اجرای آن نیت خیر است و هم‌چنین می‌تواند مطالبه خساراتی باشد که در زمان انعقاد قرارداد قابل پیش‌بینی نبوده است. هم‌چنین در برخی از کشورها به زیان دیده حق مطالبه خسارت جزایی در صورت تخلف عمدی داده شده است. ضمناً براساس برخی مقررات و آرای دادگاه، زیان‌دیده می‌تواند خسارت واقعی بیش از مبلغ ودیعه را مطالبه کند. در بسیاری از نظام‌های حقوقی در صورت نقض عمدی قرارداد نمی‌توان به شرط عدم مسئولیت به دلیل نقض نظم عمومی استناد کرد. اصل حاکمیت در حقوق ایران اراده منشأ در فقه امامیه دارد و اصل حاکمیت اراده در قراردادها که حاصل آن اصل آزادی قراردادی، می‌باشد در محدوده مقررات شرعی به رسمیت شناخته شده و هیچ تعهدی بدون اراده افراد تحقق پیدا نمی‌کند. ولی در قانون مدنی ما که بر گرفته از فقه امامیه می‌باشد در عین اینکه اصل آزادی قراردادی محترم شمرده شده است، از سوی عوامل محدودکننده‌ای کنترل شده است و قلمرو آن

است. در هر صورت تعهدات ناشی از قرارداد چه اصلی باشند و چه تبعی در صورتی که متعهد از انجام تعهد و وفای به عهد، خودداری نماید. بنابر اصل لزوم که طرفین قرارداد را متعهد و پایبند به قرارداد می‌داند، می‌توان اجبار متعهد را به ایفا و انجام تعهد از مراجع قضایی مطالبه کرد.

۶. نتیجه

عمد، انجام دادن یا ترک عملی از روی اختیار و قصد، و در مقابل سهو می‌باشد. مقصود از عمد انجام‌یافته از روی غفلت و بی‌توجهی سرزنزده باشد؛ بلکه با آگاهی به اتمام رسیده باشد؛ یعنی عمل انجام‌یافته با تمامی خصوصیاتش از لحاظ فعل و فاعلی و مفعول به عمل یک فاعل مختار باشد و انتساب فعل به فاعل کاملاً محفوظ گردد. عمد در قرارداد در برگیرنده مفهومی گسترده است که شامل بسیاری از مفاهیم مبتنی بر اراده و اعمال عامدانه طرفین قرارداد می‌باشد. بنابراین عمد به‌عنوان مفهومی عام از بسیاری از مباحث که در آن اراده طرفین حاکم بوده و تعهدات و الزامات طرفین را می‌توان از آن برداشت نمود. در نظام حقوقی اسلام و حقوق موضوعه ایران به نظر می‌رسد قصد اشخاص برای انعقاد قرارداد و تعیین شرایط آثار و حدود آن نقش اساسی را ایفا می‌نماید. به طوری که فقدان این عنصر ماهیت حقوقی قرارداد را در وضعیت بطلان قرار می‌دهد. عقد محقق می‌شود به قصد انشاء به شرط مقرون بودن به چیزی که دلالت بر قصد کند از این مواد قانونی کاملاً واضح می‌باشد که قانون‌گذار ایران تحقق یافتن عقد و قرارداد را حاصل توافق اراده طرفین آن و به بیان دیگر قصد انشایی آن‌ها دانسته است و حاکمیت اراده طرفین را به‌عنوان اصلی در تفسیر قراردادها شناخته

تا آنجایی می‌باشد که آسیبی به آزادی دیگران و هم-
چنین به حقوق اجتماع وارد نسازد.

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین
پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

فارسی

- اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت، جلد اول، چاپ یازدهم، تهران، سمت، ۱۳۸۶.
- افرا، علی، «بررسی فقهی و حقوقی قصد و نقش آن در تفسیر قراردادها»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه الهیات و معارف اسلامی شهید مطهری، ۱۳۹۰.
- امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، جلد سوم، چاپ بیست و ششم، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۹۲.
- امیری قائم مقامی عبدالمجید، حقوق تعهدات، جلد دوم، چاپ ششم، تهران، انتشارات دادگستر، ۱۳۷۸.
- انصاری، مسعود؛ طاهری، محمدعلی، دانش‌نامه حقوق خصوصی، جلد سوم، چاپ سوم، تهران، انتشارات محراب فکر، ۱۳۸۴.
- بیات، فرهاد، شرح جامع قانون مدنی، چاپ چهاردهم، تهران، انتشارات ارشد، ۱۳۹۷.
- بیگدلی، سعید، «تبعیت مسئولیت قراردادی از اراده طرفین در قانون مدنی ایران»، فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، شماره ۱۷، ۱۳۹۶.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق تعهدات، تهران، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۹.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، فلسفه اعلی، چاپ دوم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۸.
- خمینی، روح‌الله، تحریر الوسیله، جلد سوم، چاپ هفتم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵.
- دهخدا، علی اکبر، فرهنگ دهخدا، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- رضایی، روح‌الله؛ عبدی پورفرد، ابراهیم؛ نعمت‌اللهی، اسماعیل، «نقض عامدانه قرارداد و تأثیر آن بر جبران خسارت ناشی از نقض قرارداد»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، شماره ۲۶، ۱۳۹۸.
- زراعت، عباس، مبسوط قواعد فقه مدنی و جزائی، جلد اول و سوم، چاپ دهم، تهران، انتشارات جنگل / جاودانه، ۱۳۸۸.
- سعیدی، محمدحسین، بررسی ماهیت اقاله و آثار آن از منظر فریقین، چاپ دوم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۴۰۱.
- شرافت، محمدظاهر؛ اسدپور طهرانی، علیرضا، «نقش و تأثیر اراده طرفین در شروط غیر منصفانه قراردادهای خصوصی»، تهران، کنفرانس ملی اندیشه‌های نوین و خلاق در مدیریت-حسابداری-مطالعات حقوقی و اجتماعی، ۱۳۹۷.
- شعاریان، ابراهیم؛ شیرین بیگ‌پور، رویا، «تأثیر انواع نقض قرارداد بر ضمانت اجرای آن با تأکید بر اسناد بین-المللی»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۲۶، ۱۳۹۸.
- شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادها و تعهدات، جلد اول، چاپ هفتم، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۵.
- شهیدی، مهدی، سقوط تعهدات، چاپ چهارم، تهران، انتشارات حقوقدان، ۱۳۷۷.
- صاحبی، مهدی، تفسیر قراردادها در حقوق خصوصی، چاپ دوم، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۷۶.
- صفایی، سیدحسن، حقوق مدنی، جلد سوم، چاپ هفدهم، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۳.
- عمید، حسن، فرهنگ عمید، چاپ سوم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲.

- قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، جلد سوم، چاپ چهارم، تهران، انتشارات دارالکتب اسلامی، ۱۳۷۱.
- فنوتی، جلیل، حقوق قراردادهای در فقه امامیه، جلد چهارم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۹.
- کاتوزیان، ناصر، دوره حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادهای - انحلال قرارداد)، چاپ بیست و سوم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۲.
- کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی (اعمال حقوقی)، چاپ چهاردهم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۴.
- کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی (وقایع حقوقی - مسئولیت مدنی)، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۸.
- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادهای، جلد پنجم، چاپ سیزدهم، تهران، نشر شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷.
- محبوبی، نرگس، بررسی فقهی و حقوقی اقاله، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجد، ۱۴۰۱.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی، جلد اول، چاپ بیست و هشتم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۷.
- مهیار، رضا، فرهنگ ابجدی عربی-فارسی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶.
- عربی**
- ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، جلد اول و نهم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸.
- خوبی، ابوالقاسم موسوی، مکاسب، جلد دوم، قم، مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۴۲۴.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، جلد اول، بیروت، دارالشامیه، ۱۴۱۲.
- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، جلد پنجم، نجف الاشرف، دارالکتب العملیه، ۱۰۷۹.
- عاملی، محمد بن، الدروس فی فقه الامامیه، جلد سوم، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳.
- مراغی، عبدالفتاح بن علی حسینی، العناوین، جلد دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷.
- موسوی بجنوردی، محمد حسن، القواعد الفقهیه، جلد هفتم، قم، نشر الهادی، ۱۴۱۹.
- نجفی، حسن بن جعفر، انوار الفقاهاه کتاب المكاسب، نجف، مؤسسه کاشف الخطا، ۱۴۱۲.
- نراقی، مولی محمد مهدی بن ابی ذر، انیس التجار، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۲۵.

H انگلیسی

- Barry, Nicholas, the French law of contracts, second Edition, Oxford, Clarendon Press, 1992.
- Craswell, Richard, "When is a Willful Breach Willful? The Link between Definitions and Damages", Michigan Law Review, NO.82, 2009.
- Hoynak, Bryan, " Filling in the Blank: Defining Breaches of Contract Excepted from Discharge as Willful and Malicious Injuries to Property Under" , WASH. & LEE L. REV, NO.6, 2010 693-733.